

آیا رئیس جمهور مصر

هامل کمونیزم در خاورمیانه است ؟

بررسی اوضاع کنونی خاورمیانه و ارزیابی وقایع و حوادث مربوطه نشان میدهد که دیپلماسی اتحاد جماهیر شوروی بطرز محسوسی ناپذیری در راه تحکیم مبانی ایدئولوژیک مارکسیسم-لنینیسم و بسط نفوذ توسعه طلبانه خود در این منطقه حساس جهان میکوشد . تردید نیست که نقش طبقات مختلف مردم و همچنین رهبران سیاسی کشورهای خاورمیانه در تأیید یا عدم تأیید این سیاست بسیار موثر بوده و دارای اهمیت خاصی است .

دولت و حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی که خواستار وحدت جنبش بین‌المللی کمونیستی در کادر حفظ منافع اقتصادی و تمایلات مسلکی خود میباشند با در نظر گرفتن جزو مد های سیاسی در خاورمیانه و توجه به هدف استراتژیک کمونیزم در دوران کنونی که (عبارت از ایجاد نظام جهانی کمونیستی از راه سرنگون کردن هرگونه حاکمیت غیر کمونیستی) تاکتیک مشخصی ابداع نموده و با بکار بستن آن در صحنه مبارزات خاورمیانه و نزدیک‌ترین و سوزان‌ترین مسائل زمان ما را فراهم ساخته‌اند . و لذا آنچه که در این پژوهش میتواند مورد علاقه مفرط و توجه دقیق ما قرار گیرد بررسی اثری است که این مسائل در اوضاع داخلی و خط مشی سیاست خارجی کشورهای شرق میانه و نزدیک بر جای میگذارد .

نکته شایان ذکر این است که همه کشورهای مستقل خاورمیانه و نزدیک بویژه آن دسته که دوران سازندگی را برای جبران عقب ماندگیهای گذشته با سرعت طی میکنند نه فقط برای جلو گیری از پیروزی این تاکتیک فریبنده بلکه در واقع جهت دفاع از استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی خود ناگزیر از بکار بستن آنچنان شیوه‌های پسندیده‌ای در مبارزه با کمونیزم میباشند که متضمن کلیه نکات مهم و اساسی دوران ما باشد .

برای طرح چنین مسئله‌ای ابتدا باید باین سئوالات پاسخ داد .

۱ - وسائل و عواملی که کمونیستها برای نفوذ در منطقه خاورمیانه

و نزدیک با آنها تکیه میکنند کدام است . ؟

۲ - آیا کشورهای خاورمیانه و نزدیک برای مبارزه با کمونیزم و

نفوذ آن نباید با عواملی که راه را برای توسعه و گسترش این نفوذ باز مینماید مبارزه کنند ؟

۳ - آیا سیاست جمال عبدالناصر پیروزی کمونیستها را تسهیل میکند ؟

یکی از مؤثرترین طرقی که کمونیستها برای بسط اقتدار سیاسی و مسلکی خود بآن متوسل میگرددند ایجاد هرج و مرج و رواج آنارشیزم در منطقه یا کشور مورد نظر میباشد. این موضوع در باره کشورهای چون ممالک خاورمیانه و نزدیک که کم و بیش از خواب غفلت و خرگوشی بر خاسته و در گذرگاه عصر جدید به پیش میتازند و لذا احتیاج مبرم به ایجاد رفورم های اقتصادی و اجتماعی دارند بیشتر صدق میکند. زیرا بروز هرگونه ناامنی و اخلال در امر سازندگی اجرای برنامه های تنظیم شده را بتعمیق انداخته و پیشرفت کشور را بسوی تمدن عصر صنایع و فرهنگ مدرن ترمز میکند و در چنین شرایطی طبقات تولید کننده (بورژوازی کوچک) که نقش عمده ای در حفظ وحدت و استقلال جامعه ایفا مینمایند بیش از سایر قشرهای اجتماعی متحمل فشارهای ناشی از بحرانهای شدید سیاسی و اقتصادی گردیده و زمینه ای بس مناسب جهت بروز انحرافات سیاسی و کج رویهای مسلکی فراهم میشود و در چنین شرایطی است که فقیرترین قشر طبقه کارگر و دهقان و ناراضی ترین افراد طبقه روشنفکر آمادگی بیشتری برای جذب تبلیغات کمونیستی پیدا کرده و متمایل به کمونیزم میگرددند.

در این مسئله که زمینه جلب توجه طبقات کارگر - دهقان و روشنفکر نسبت به تعالیم و آموزش مارکسیسم لنینیسم در شرایط هرج و مرج و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ناشی از آن کاملاً فراهم میگردد تردیدی نیست پیشرفت حیرت انگیز کمونیستها در فرانسه و ایتالیا طی سالهای جنگ جهانی دوم و در سالهای اولیه بعد از جنگ پیروزی کمونیستها در کشور چین که در دوران بحرانهای شدید اقتصادی اجتماعی و سیاسی امکان پذیر گشت توسعه اقتدار روزافزون احزاب کمونیست در کشور های عقب افتاده و در حال رشد و بالاخره ایجاد پایگاههای اجتماعی کمونیزم در کلیه مناطق استعمار زده و استثمار شده مؤید این مطلب میباشد.

این حقیقت را باید پذیرفت که در کشور های خاورمیانه و نزدیک بدون گسترش آنارشیزم و ایجاد بحران در زمینه های مختلف حیات جامعه کمونیستها موفقیت شایان توجهی بدست نخواهند آورد لذا بی دلیل نیست که دیپلماسی اتحاد جماهیر شوروی هرگونه پیروزی خود را در این منطقه

مربوط و وابسته به استواریهای اجتماعی دانسته و از عواملی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم چنین سیاستی را دنبال مینمایند جانبداری و حمایت میکند و عبارت دیگر بین هر جریان تخریبی در خاور میانه با دیپلماسی شوروی و چین کمونیست بعنوان صحنه گردانان اصلی فعالیتهای کمونیستی در جهان هماهنگی نسبی برقرار میباشد.

تردید نباید کرد که یکی از عوامل مؤثر ایجاد هرج و مرج در خاورمیانه سیاست جمال عبدالناصر است.

ناصر برای اجرای نقشه های توسعه طلبانه خود در سراسر منطقه خاورمیانه تضعیف نظام اجتماعی موجود در کشورهای این منطقه را از شرایط اصلی موفقیت میداند فعالیت شدید عمال سیاست عبدالناصر در خاورمیانه طی چند سال اخیر تردیدی در این امر نمیگذارد. البته اگر مسأله بهمین جا خاتمه پیدا میکرد شاید مبارزه با آن برای کشورهای مستقل و آزاد خاورمیانه و نزدیک چندان قابل توجه و حاد نبود ولی آنچه که این کشورها را بر آن میدارد تا برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی خود در برابر یورش و تهاجم ظالمانه سیاست ناصر تصمیمات شایسته و کاملاً جدی اتخاذ نمایند هماهنگی این سیاست با تاکتیکی است که کمونیستها برای پیروزی کمونیسم در خاور میانه و نزدیک مورد بهره برداری قرار داده اند. بموازات پیشرفت سیاست تحریک آمیز و ریا کار عبدالناصر که نتیجه منطقی آن ایجاد نا امنیهای گوناگون در کشورهای منطقه میباشد. احزاب کمونیست و عوامل وابسته به آنها فرصت مناسب جهت ترویج اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم بدست آورده و دیپلماسی کمونیسم را به آرامی ولی کاملاً مطمئن به پیش میکشند.

احزاب کمونیست در خاورمیانه و نزدیک جهت توسعه قدرت کیفی خود احتیاج مبرم به آنچنان شرایط مساعد سیاسی و اجتماعی دارند که سیاست جمال عبدالناصر خالق آنست. آیا رئیس جمهوری مصر با این حقیقت تلخ آشنا نیست؟

پاسخ این سؤال مثبت است ولی مسئله اینست که عبدالناصر هر گونه پیشرفت سیاسی خود را در خاورمیانه وابسته به اجرای شیوه های باصطلاح ضد امپریالیستی و تهییج افکار توده های وسیع مردم علیه سیاست غرب مینماید. اصولاً باید توجه داشت که بقای رژیم ناصر مدیون همین روش است، لذا نباید انتظار داشت که در راه خود تجدیدنظر قطعی و همه جانبه به عمل آورد.

عبدالناصر در حالیکه همکار کاملاً مطمئنی برای دیپلماسی شوروی

نمیباشد و در حالیکه هر گونه فعالیت علنی کمونیستها را در مصر قدغن و تا حدی غیر ممکن کرده است از اینکه احزاب کمونیست در سایر کشور های خاورمیانه و نزدیک در اثر اجرای سیاست او بموفقیتهایی برسد وحشتی ندارد. زیرا رئیس جمهوری مصر اولین شرط موفقیت خود را در خاورمیانه بروز و تشدید تیرگی در روابط کشورهای این منطقه با سیاست غرب میداند و بهمین دلیل در این مرحله از مبارزه بخاطر کسب قدرت با کمونیستها در یک راه واحد قرار گرفته است و درست بهمین جهت است که به عقیده کمونیستها سیاست کنونی عبدالناصر رسیدن به هدف استراتژیک کمونیسم را تسهیل میکند. تا کنیک شناخته شده کمونیستها در کشورهای در حال توسعه و رشد اقتصادی مبارزه یا باصطلاح امپریالیزم یا بعبارت دیگر نبرد با هر گونه همبستگی به بلوک غرب است.

احزاب کمونیست - سندیکاهای کارگران متمایل به چپ - هواداران صلح و سایر گروهها و سازمانهایی که تحت نفوذ و اراده کمونیستها قرار دارند در کشورهای توسعه نیافته و یا بیطرف و غیر متعهد موظفند که اولین هدف خود را مبارزه با دیپلماسی دنیای آزاد و مشوب کردن افکار عمومی مخصوصا طبقات زحمتکش و رنجبر علیه هر گونه همبستگی و همگامی با آمریکا قرار دهند. کمونیستها این تاکتیک را نه تنها در خاورمیانه و افریقا بلکه در کشورهای مترقی و صنعتی مانند فرانسه و ایتالیا نیز دنبال میکنند. لذا مشاهده میگردد که در شرایط کنونی جهان و با توجه به تعادل نظامی موجود بین شرق و غرب کمونیستها تاکتیک معقول برای کسب قدرت و اقتدار سیاسی و اقتصادی و بدنبال آن مسلکی و اجتماعی را تقویت مستقیم احزاب کمونیست نمیدانند بلکه کلیه نظامهای اجتماعی را که از سیاست غرب پیروی نکنند و همبستگیهای خود را با ممالک رهبر اردوگاه باصطلاح سرمایه داری قطع نمایند و یا اینکه در این راه گام نهند و لو آنکه به احزاب کمونیست اجازه فعالیت علنی و شدید ندهند مورد پشتیبانی قرار میدهند.

برای کمونیزم جهانی این مسئله که زمین بین دهقانان تقسیم گردد و کارگران در منافع کارخانه ها سهیم باشند و یا اینکه ثروتهای بزرگ تعدیل گردد و تاسیسات عظیم صنعتی و بازرگانی بصورت ملی درآیند آقدر اهمیت ندارد که مبارزه با هر گونه همبستگی با غرب و بهمین جهت است که سیاست عبدالناصر گسترش نفوذ و پیروزی کمونیستها را تسریع میکند. در این جاست که هماهنگی تاکتیک بین کمونیزم و ناصریسم چشم گیر میشود. تردید نیست که زمامداران مسکو بخوبی متوجه این حقیقت

میباشند که سیاست کلی ناصر در جهت مخالف خواست کمونیستها در خاورمیانه و نزدیک حرکت نمیکند و اگر جز این بود اتحاد جماهیر شوروی هرگز اقدام به کمک های وسیع فنی و اقتصادی و نظامی به مصر نمینمود. دولت و حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی میدانند که هر يك رويل اسلحه و مهماتی که در اختیار ناصر میگذارند برای بسط نفوذ نهائی کمونیستها و برای مبارزه با غرب و تضعیف پیمان های تدافعی در خاورمیانه بمصرف میرسد در غیر اینصورت اقدام بهر گونه کمک به مصر بمثابة خنجری خواهد بود که از پشت به کمونیزم وارد آید آیا میتوان قبول کرد که حزب کمونیست و دولت اتحاد جماهیر شوروی با چنین خیانت بزرگی نسبت مارکسیسم - لنینیسم خود را آلوده کنند. ؟؟

حقیقت این است که هیچ حزب کمونیستی بهتر از دولت «ضد کمونیست!!!» جمال عبدالناصر نمیتواند در خاورمیانه و نزدیک برنامه های سیاسی مسکو را اجرا کند.

وقتی مساله جدا ساختن کشورهای خاورمیانه از خط مشی سیاسی غرب مطرح میشود این کار را عبدالناصر ماهرانه تر و عوام پسند تر از هر عامل کمونیست انجام میدهد. زمانیکه فشار دولت شوروی بر روی پیمانهای دفاعی خاورمیانه متمرکز میگردد و هدف متزلزل ساختن و تضعیف هر گونه اتحادیه های منطقه ای غیر کمونیستی میباشد باز دولت جمال عبدالناصر بهتر از هر متحد دیگر به سیاست مسکو کمک میکند.

بدین ترتیب چگونه امکان دارد سیاست ناصر وسیله ای برای اجرای برنامه های وسیع کمونیزم در خاورمیانه شناخته نشود. ؟
توجه به هماهنگی های سیاسی مسکو و قاهره این حقیقت را روشنتر میکند.

۱ - کمونیستها و عبدالناصر ایجاد هرج و مرج و گسترش آنارشیسم را در خاورمیانه و نزدیک از عوامل عمده موفقیت خود میدانند.

۲ - کمونیستها و عبدالناصر مخالف پیمانهای دفاعی منطقه ای با شرکت دول غربی میباشند.

۳ - کمونیستها و عبدالناصر خواهان تشکیل يك جبهه متحد از کشورهای باصطلاح ضد امپریالیست در خاورمیانه میباشند.

۴ - کمونیستها و عبدالناصر سرکوب نمودن هر گونه نفوذ اقتصادی و سیاسی غرب را در خاورمیانه لازمه پیشرفت و ترقی این کشورها محسوب میدارند.

۵ - کمونیستها و عبدالناصر با بقای رژیم های سلطنتی در خاورمیانه

مخالفت کرده و یکی از هدفهای اولیه خود را تحریک مستقیم و غیر مستقیم افکار عمومی بر ضد این رژیم ها قرار داده اند .

بی دلیل نیست که کنگره کمونیستهای عرب که چندی پیش بریاست خالد بکتاش در پراگ تشکیل گردید اعلام کرد که (تضاد منافی بین شوروی و کشورهای عربی وجود ندارد) و در محافل حزب کمونیست شوروی عنوان گردید که احزاب کمونیست عرب باید در روش خود نسبت به ناصر تجدید نظر کنند .

یک سند زنده از کنفرانس احزاب کمونیست کشورهای آسیایی منعقد در ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۶۴ در تاشکند که هنوز بقوت خود باقیست حقیقت درد ناکی را آشکار مینماید این سند قطعنامه کنفرانس مزبور است که ضمن آن تاکتیک و برنامه کار احزاب کمونیست خاورمیانه و نزدیک شرح زیر تشریح گردیده است .

۱ - کلیه کمونیستهای فراری کشورهای خاورمیانه و نزدیک که هم اکنون در شوروی یا جمهوریهای توده‌ای بسر میبرند باید بتدریج و در فرصتهای مناسب به کشورهای غیر کمونیست نقل مکان کنند تا امکان تجدید فعالیت آنها در آینده فراهم گردد .

۲ - باید در امر تشکیل جبهه واحد ضد استعمار که متضمن وحدت کلیه طبقات مبارز باشد اقدامات جدی و اساسی بعمل آورد .

۳ - پیروی از روشهای انقلابی فقط در حد متعادل با خواستهای ملی صحیح بوده و بکار بردن شیوه های تهاجمی شدید باید برای مراحل نهایی گذاشته شود . زیرا بدون ایجاد کادر تعلیم دیده قابل اعتماد و کاملاً وفا دار . انقلاب با شکست مواجه خواهد شد .

۴ - تأیید برنامه های مترقی که از طرف دولتها دنبال میشود زیرا در غیر اینصورت کمونیستها با مخالفت افکار عمومی روبرو میشوند .

۵ - در حالیکه شعارهای سیاسی کمونیستها باید هماهنگ با اقدامات مترقی دولتها باشد لازم است خصوصیات انقلابی آن نیز در نظر گرفته شود تا حزب کمونیست بهر حال پیشاپیش خواسته‌های مردم حرکت کند .

۶ - عقاید مذهبی مردم باید مورد احترام قرار گیرد و از هرگونه اقدامی که موجب تخطی باین اعتقاد گردد دوری شود .

بطوریکه کاملاً ملاحظه میشود این قطعنامه بازبانی گویا تاکتیک و روش جدید دیپلماسی شوروی را در خاورمیانه و نقش نوین احزاب کمونیست را در این منطقه روشن ساخته و آشکارا نشان میدهد که در شرایط کنونی تنها عواملی میتوانند مجری نظریات شوروی در خاورمیانه و نزدیک باشند که ماسک ناسیونالیزم - ضد امپریالیزم - ضد شرکت و

عضویت در پیمانهای دفاعی منطقه‌ای و همچنین دفاع از مذهب و تمایلات مسلکی توده‌های مردم را بر چهره داشته باشند .
آیا برای مقابله با چنین تاکتیک فریب کاری نباید جدی‌تر اقدام نمود . ؟

بر آن دسته از کشورهای خاورمیانه و نزدیک که بهای آزادی و استقلال خود را گران پرداخته و امروز نیز قهرمانانه از سنگرهای میهن خود پاسداری میکنند يك راه بیشتر وجود ندارد و آن عبارتست از مبارزه مجدانه و پی‌گیر با کلیه عواملی که موجبات پیشرفت کمونیزم را فراهم میسازند زیرا در غیر این صورت باید از موجودیت خود چشم‌پوشند و شکست و اضمحلال ملی خود را بپذیرند . -



شعبه‌شناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی